مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی ، شماره ۱۵ ، بهار ۱۳۹۸، ص۷۹-۶۵
http://www.jisc.ir

مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی (سال سوم)
شماره ۱۵/ بهار ۱۳۹۸ / ص ۷۹-۶۵

تاثیر مهارتهای ارتباطی معلمان در کسب مهارت های اجتماعی دانش آموزان ابتدایی

نام نویسنده: فاطمه میرحسینی

چکیده

پدیده ارتباط، نقشی مهمی در زندگی اجتماعی انسان ها، خصوصا کسب مهارت های اجتماعی دانش آموزان ابتدایی دارد، مهارت های ارتباطی معلمان در کلاس نقش بسزایی در کسب مهارت های اجتماعی دانش آموزان دارند . از این رو کاوش در جهت کیفیت هر چه بهتر این ارتباطات و تاثیر آن بر کسب مهارت های اجتماعی دانش آموزان ابتدایی در حوزه علوم تربیتی لازم و ضروری به نظر می آید. مهارتهای ارتباطی به رفتارهایی اطلاق می شود که شخص می تواند از آن طریق با دیگران به نحوی ارتباط برقرار کند که به بروز پاسخهای مثبت و پرهیز از پاسخهای منفی منتهی شود. از سوی دیگر مهارت های اجتماعی به رفتارهای کلامی و غیرکلامی مانند کلمات، تظاهرات صوتی و کارهایی اشاره می کنند که به هنگام استفاده در تعاملات با همسالان و بزرگسالان منجر به پیامدهای اجتماعی مثبت و گاهی منفی می شوند. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین مهارتهای ارتباطی معلمان و تاثیر آن بر کسب مهارت های اجتماعی دانش آموزان ابتدایی (آینده گان جامعه) تالیف یافته است. لذا در این پژوهش با روش تحلیلی- توصیفی تلاش نموده ایم بر اساس چینشی منطقی به تبیین رابطه مهارت های ارتباطی معلمان و تاثیر آن در کسب مهارت های اجتماعی دانش آموزان ابتدایی بپردازیم.

واژگان کلیدی: مهارت های ارتباطی، مهارت های اجتماعی، معلمان، دانش آموزان ابتدایی

Abstract
The phenomenon of communication plays an important role in the social life of humans, especially the acquisition of social skills of elementary students, the communication skills of teachers in the classroom have a significant role in the acquisition of social skills of students. Hence, exploring this communication as a matter of good quality and its impact on the acquisition of social skills of elementary students in the field of science education seems necessary. Communication skills refers to behaviors that one can communicate with others in a way that results in positive responses and negative responses. On the other hand, social skills refer to verbal and non-verbal behaviors such as words, audio demonstrations, and things that, when used in interactions with peers and adults, lead to positive and sometimes negative social outcomes. The purpose of this study is to investigate the relationship between teachers' communication skills and their impact on social skills acquisition of elementary students (community prospects). Therefore, in this research, we have tried through analytical-descriptive methods to explain the relationship between teachers' communication skills and their impact on the acquisition of social skills of elementary students based on logical coding.

Key word:

Communication Skills, Social Skills, Teachers, Elementary Students

مقدمه

ارتباط نیاز ذاتی هر انسانی است، رشد و توسعه جامعه و به تبع کسب مهارت های اجتماعی افراد یک جامعه، به نوعی در گِرو یادگیری دانش آموزان، از طریق مهارت های ارتباطی ای است که معلمان به عنوان الگو در نهاد دانش آموزان پس انداز می کنند. مهارتهای ارتباطی معلمان محرک کیفیت کسب مهارت های اجتماعی دانش آموزان به شمار می آید، اهمیت ارتباط در زندگی انسان به حدی است که برخی از صاحب نظران، اساس تمامی رشد انسانی، آسیبهای فردی و پیشرفتهای بشری (در جامعه) را در فرایند ارتباط دانسته اند. بسیاری از صاحب نظران توانایی برقراری ارتباط صحیح را از مهمترین ویژگی های موفقیت می دانند. از این رو ارتباطات از مهم ترین ابزارهای جامعه ی مدرن و از مهمترین عوامل توسعه و تعالی انسانی به شمار می آیند و توانایی ارتباطات صحیح یکی از مهارتهای اساسی زندگی اجتماعی می باشد. لزوم برقراری ارتباط خوب به دلیل پیامدهایی مانند پائین آوردن استرس طرف مقابل و بهبود عملکرد روانشناختی، افزایش درک متقابل افراد، ایجاد زمینه های حمایتی گسترده تر و ... است.

نوع بشر علاوه بر نیازهای فیزیکی مانند غذا، هوا، سرپناه. واسطه های اساسی دیگری نیز دارد که همانا ایجاد ارتباط با انسانهای دیگر است. این میل به ارتباط، یکی از احتیاجات بشر اولیه بوده و در جوامع امروز، یکی از ضروریات تداوم بقاست. همچنین، ارتباط فرآیندی است که توسط آن اطلاعات از طریق علایم، نشانه ها و رفتار از شخصی به شخص دیگر منتقل می شود. به عبارت دیگر، ارتباط عبارت است از فرآیند انتقال و تبادل افکار، اندیشه ها، احساسات و عقاید دو فرد یا بیشتر با استفاده از علایم و نمادهای مناسب به منظور تأثیر، کنترل و هدایت یکدیگر. (رستمی و همکاران، ۱۳۹۱،ص ۲۸) اهمیت ارتباط در زندگی انسان به حدی است که برخی از صاحب نظران، اساس تمامی رشد انسانی، آسیبهای فردی و پیشرفتهای بشری را در فرایند ارتباط دانسته اند (شیوس و اسحاکس،۲۰۰۲) بسیاری از صاحب نظران توانایی برقراری ارتباط صحیح را از مهمترین ویژگی های موفقیت می دانند(زمانی و همکاران، ۱۳۸۲) از این رو ارتباطات یکی از مهم ترین ابزارهای جامعه ی مدرن و از مهمترین عوامل توسعه و تعالی انسانی است و توانایی ارتباطات صحیح ، یکی از مهارتهای اساسی زندگی اجتماعی می باشد، لزوم برقراری ارتباط خوب به دلیل پیامدهایی مانند پائین آوردن استرس طرف مقابل و بهبود عملکرد روانشناختی، افزایش درک متقابل افراد، ایجاد زمینه های حمایتی گسترده تر است. یکی از مسائل و مشکلات عمده ای که افراد جامعه امروزی را تهدید می کند، عدم برقراری ارتباط صحیح و درک همدلانه است. اغلب مشکلاتی که در محیط های آموزشی، اجتماعی، کار، دانشگاه، خانه و سازمانهاو ... به وجود می آید، ناشی از ارتباط نامناسب است. از اینرو، ارتباطات و مهارتهای ارتباطی در سالهای اخیر به ویژه از سال(۱۹۵۰) در غرب مورد توجه علماء و دستاندرکاران رشته های مختلف علمی از روانشناسی، روانشناسی اجتماعی و جامعه شناسی گرفته تا دانشمندان مدیریت واقع شده است. (الوانی، ۱۳۸۸)

بحث پیرامون یک موضوع نیازمند شناخت و ایضاح مفاهیم و مبانی نظری آن موضوع می‌باشد تا بدین طریق آگاهی نسبی پیرامون تحقیق حاصل شده و خواننده آمادگی ورود به بحث اصلی را پیدا نماید. برای نوشتار های تحلیلی – تفصیلی، شناخت مفاهیم و مبانی نظری موضوع مورد تحقیق از اهمیت اساسی برخوردار است و بدون آشنایی لازم با اصطلاحات آن، مطلوب مورد نظر به دست نخواهد آمد. از همین رو تلاش خوهیم کرد مفاهیم و مبانی مورد نیاز تحقیق را به تفصیل بیان کنیم.

ارتباط: انتقال اطلاعات از فرستنده به گیرنده، به گونه ای که برای هر دو قابل فهم و واضح باشد، در صورتی که یکی از این عناصر (فرستنده، گیرنده یا پیام) موجود نباشد، هیچ گونه ارتباطی صورت نگرفته و نمی گیرد، همچنان که هدفی برآورده نمی گردد. (مرتضوی و مهربان، ۱۳۸۳، صص ۱۲۴، ۱۴۴) پس فرایند انتقال پیام از فرستنده به گیرنده مشروط بر آنکه منتقل شود و بالعکس را ارتباط گویند. (رستمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص۲۸)، پیرسون و نلسون ارتباطات را فراگرد تفهیم و تفاهم و تسهیم معنی در نظرگرفته اند، اعم از اینکه این ارتباط به وسیله کلام، نوشتار، موسقی، تصویر و یا هر وسیله دیگری انجام شود. پس مطابق آنچه بیان شد، می توان ارتباط را نوعی فرآیند نامید که طی آن واکنشی دو سویه میان افراد و گروهها در محیط های اجتماعی به وجود می آید. یکی از متخصصان ارتباط می گوید: آنچه در برقراری ارتباط اتفاق می افتد، همانند رفت و آمدهای خیابان دوطرفه است که در آن به طور مداوم واکنشهای مختلفی میان کسانی که در ارتباط با یکدیگر هستند، رخ میدهد (ارتباط دوسویه) (محمدی و پورقاز، ۱۳۹۰،ص ۱۵)

مهارتهای ارتباطی: مهارتهای ارتباطی از جمله مباحث علوم رفتاری است که از نظر تربیتی جایگاهی ویژه دارد و به رفتارهایی اطلاق می شود که شخص می تواند از آن طریق با دیگران به نحوی ارتباط برقرار کند که به بروز پاسخهای مثبت و پرهیز از پاسخهای منفی منتهی شود. (قبادیانی، ۱۳۸۸،ص ۱۸)

مهارت های اجتماعی : اغلب به عنوان مجموعه های پیچیده ای از مهارت ها در نظر گرفته شده است که شامل ارتباط، حل مساله و تصمیم گیری، جرات ورزی، تعاملات با همسالان و گروه و خود مدیریتی می شود (لانیس و فروسینی،۲۰۰۸).کورینک و پاپ (۲۰۰۴) در مروری بر پژوهش های انجام شده دریافتند بسیاری از تعاریف به رفتارهای کلامی و غیرکلامی مانند کلمات، تظاهرات صوتی و کارهایی اشاره می کنند که به هنگام استفاده در تعاملات با همسالان و بزرگسالان منجر به پیامدهای اجتماعی مثبت می شوند چنان که ماتسون و همکاران (۲۰۰۰) مهارتهای اجتماعی را به عنوان رفتارهای قابل مشاهده و قابل اندازه گیری تعریف کردند که استقلال، قابلیت پذیرش و کیفیت مطلوب زندگی را بهبود می بخشند. این مهارت ها برای سازش یافتگی و کارکرد بهنجار مهم هستند و نارسایی در مهارت های اجتماعی به طور نزدیکی با اختلالات روانی و مشکلات رفتاری مرتبط هستند. با وجود آنکه این واژه به ظاهر ساده به نظر می آید اما به شدت تحت تأثیر سازه های روان شناختی و ویژگی های اساسی انسان مانند شخصیت، هوش، زبان، ادراک، ارزیابی، نگرش وتعامل میان رفتار و محیط قرار دارد. (الیوت و همکاران، ۲۰۰۵)

شخصیت و ویژگیهای شخصیتی: شخصیت عبارت است از الگوی نسبتا پایدار صفات، گرایشها و ویژگیهایی که تا اندازه ای به رفتار افراد دوام می بخشد. به طور اختصاصی تر، شخصیت، از صفات یا گرایشهایی تشکیل می شود که به تفاوتهای فردی در رفتار، ثبات رفتار در طول زمان و تداوم رفتار در موقعیتهای گوناگون می انجامد. (فیست و فیست، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۵، ص۶) صفات شخصیتی به سبکهای هیجانی، ارتباطی، تبیینی، نگرشی، و انگیزشی فرد اطلاق میشود (دانش، شکرالله، ۱۳۹۰، صص ۱۳، ۱۴؛ دوان شولتز، ۱۳۸۴،ص ۱۰؛ شاملو، ۱۳۰۸،ص ۱۴؛ جعفر دارابی، ۱۳۸۴،ص ۱۴)

الگو: الگو در لغت به معنای نمونه آمده است. (عمید، ۱۳۵۹، ص۱۵۷) الگو به فرایندی اطلاق می شود که در آن رفتار یک فرد یا گروه یعنی الگو، به مثابه محرکی برای افکار، نگرش ها و یا رفتارهای شخصی دیگر که او را مشاهده نموده و به کار گرفته است، می باشد

کیفیت برقراری ارتباطات

ساده ترین مدل ارتباطات، وجود سه عنصر را برای برقرای ارتباط الزامی دانسته است. این سه عنصر: یعنی(فرستنده، پیام، گیرنده) در مدل های مختلف ارتباطات مد نظر قرار گرفته اند. ارتباط موقعی برقرار می شود که کسی (فرستنده) بخواهد مفاهیم ذهنی خود(پیام) را به دیگری (گیرنده) منتقل کند. ارتباط از فرستنده آغاز می شود. او بر اساس قصد و نیتی پیام خود را شکل می دهد. و به صورت پیام به سوی گیرنده ارسال می کند. پیام از طریق مجرا و پس از عبور از فضای ارتباطی به گیرنده می رسد. گیرنده درک و برداشتی از آن خواهد داشت و اندیشه و نگرش و احساساتی با دریافت پیام در وی ایجاد می شود. حال اگر برداشت گیرنده، با آنچه مورد نظر فرستنده بوده است یکی باشد، ارتباط درستی صورت گرفته است و چنانچه این برداشت، مغایر و متفاوت با مقصود فرستنده باشد مفهوم آن این است که عمل ارتباط به درستی شکل نگرفته است. دو روش اصلی در برقراری ارتباط وجود دارد: ارتباط کلامی و ارتباط غیر کلامی. ارتباطات کلامی شامل ارتباطات گفتاری و نوشتاری است . پژوهش ها نشان داده است که اکثر ما، عمده وقت خود را در ارتباطات گفتاری صرف می کنیم تا نوشتاری، و این حکایت از از بی سوادی این چنین جامعه ای دارد. ارتباط غیر کلامی با اینکه زبان متداول ترین وسیله برقراری ارتباط است، باید گفت که کلمات، تنها وسیله تبادل اطلاعات نیستند و در بسیاری از اوقات، ارتباطات به صورت غیر کلامی نیز برقرار می شود که اهمیت آن از ارتباطات کلامی کمتر نیست و حتی بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که ارتباطات غیر کلامی از نظر صحت بر ارتباطات کلامی ارجهیت دارد، زیرا ارتباطات غیر کلامی از مکنونات قلبی و درونی انسان سرچشمه گرفته و چندان قابل کنترل و تحریف نیست .برخی از ارتباطات غیر کلامی عبارت اند از : حالات و حرکات چهره، تماس چشمی، حالتها و حرکات اندامها، اشارات و حرکات دستها، وضعیت ظاهر، استفاده از اشیاء و... .(هاشمی، ایرج، بی تا،صص ۹،۱۰،۱۱)

ارتباط بین معلم و دانش آموز

همانطور که پیشتر بیان داشتیم، بیشتر متخصصان تعلیم و تربیت، ارتباط را نوعی رابطه دو طرفه می دانند، هر چند که رابطه یک طرفه نیز ممکن است وجود داشته باشد. ارتباط معلم - شاگرد هر دو ویژگی، کلامی و غیر کلامی، را دارد، معمولا دو طرفه و گاه یک طرفه است. در این حالت ارتباط هم برای فرستنده و هم برای گیرنده آموزنده است زیرا بازخورد دریافت می کنند .(گینات، هایم؛ مترجم سیاوش سرتیپی، ۱۳۹۱،ص ۳۵) از این رو برخی از مهم ترین موانع ارتباطی از قرار ذیل است:

۱- نامناسب بودن زمان و مکان: زمانی که خواسته یا انتقاد خود را در حضور عده ای مطرح می کنید ممکن است از خواسته یا انتقاد شما برداشت متفاوت یا نادرستی شود.

۲- نا مناسب بودن وسیله و شیوه برقراری ارتباط: هر کس برای ابراز نیات و نظرات خود وسایل و راههای مختلفی در اختیار دارد می تواند شفاهی یا کتبی و یا از طریق حرکات و علائم اظهار نظر کند. هر یک از وسایل ارتباطی دارای ویژگی های خاص خود است و فرستنده به تشخیص خود موثر ترین و مناسب ترین وسیله را انتخاب می کند. اما چنانچه این انتخاب به درستی انجام نشود، برقراری ارتباط دچار اختلال می گردد.

۳- عدم اعتبار فرستنده: تحت هر شرایطی که گیرنده پیام به هر علتی فرستنده را مقام و مرجع معتبری در زمینه محتوای پیام نداند، نمی توان انتظار داشت که گفتار و پیام، نافذ واقع شود.

۴- ضعف در مهارتهای ارتباطی: استقرار ارتباط مناسب نیاز به این دارد که فرستنده با نکات و مهارتهایی که برقراری ارتباط را آسان می کند آشنایی داشته باشد، بی مقدمه شروع نکنیم، با نظم منطقی صحبت کنیم، آسمان ریسمان به هم نبافیم، در پایان به وضوح نتیجه صحبت و خواسته خود را بیان کنیم.

۵- تفاوت و فاصله در تخصص و مقام: هر چه اختلاف تخصص بین فرستنده و گیرنده بیشتر باشد امکان سوء تعبیرهای ارتباطی قویتر خواهد بود.

۶- کمی اطلاعات: بسیار اتفاق می افتد که فرستنده پیام، چون خود از محتوای آن مطلع است، ناخود آگاه چنان عمل می کند که گویا گیرنده نیز از ما وقع پیام آگاه است.

۷- زیادی اطلاعات: هر یک از ما ظرفیت ارتباط معینی داریم، چنان چه اطلاعات وارده بیش از میزانی باشد که قادر به هضم و مقابله با آن هستیم، حالت زیادی اطلاعات وارده به وجود می آید.

۸- محدودیت ادراک: درک افراد از وقایع و پدیده هایی که با آنها رو به رو هستیم یکسان نیست. درک هر کس با توجه به دنیایی که در آن عضویت داشته است و همچنین با توجه به نیاز های فردی او دارای محدودیت هایی است، بنابر این برای برقراری ارتباط موثر، فرستنده باید امکان برداشت های متفاوت از پیام را با توجه به تمایلات و نیازهای گیرنه و محدودیت ادراک او پیش بینی کرده و راه مناسب را انتخاب کند.

۹- درک متفاوت از زبان ارتباطی: بر خلاف آنچه ممکن است تصور شود، کلمات، عبارات و علائم واحد، دارای معانی دقیق و یکسانی نیستند، بلکه در مواردی نزد افراد مختلف، معانی فردی، اجتماعی ، خانوادگی، تربیتی و ... را به خاطر می آورند، بنابر این دقت در این مهم لازم و ضروری است.

۱۰-تشابه بینی (تعمیم): تمایل ما عموما بر این است که اشیاء انسانها و پدیده ها را بر اساس تشابهی که بین آنها می بینیم مرتبط کرده و دسته بندی کنیم و نظر واحدی را در موردشان تعمیم دهیم. این کار درک ما را درباره محیط خود محدود کرده و بر قراری ارتباط موثر را مشکل می سازد.(هاشمی، ایرج، بی تا، صص ۹، ۱۰، ۱۱)

به طور کلی، ضرورت مداخلات مربوط به مهارت های اجتماعی در همه ی افراد با توجه به نتایج پژوهش های متعدد صورت گرفته، را می توان به صورت زیر بیان کرد:

- آموزش مهارت های اجتماعی می تواند باعث کاهش در تعداد رفتارهای نامناسب در کلاس درس مانند پرخاشگری و بهبود روابط شخصی دانش آموز با همسالان وبزرگسالان در محیط اجتماعی شود(کامپز و کای ، ۲۰۰۲).

نقش محیط در کسب مهارت های اجتماعی دانش آموزان

عوامل محیطی سبب ایجاد صفات خاص در انسان می شود. در فرهنگی که نحوه تغذیه افراد خوب است،

صفاتی مانند: وزن و قد به طور سالم به ارث می رود، اینچنین نسبتی نیز برای مهارت های ارتباطی معلمان در تربیت و کسب مهارت های رفتاری- اجتماعی دانش آموزان صادق است (دکتر سعید شاملو، ۱۳۸۸،ص ۵۷) برخی از واکنش های کودک در اختلال رفتار اجتماعی او مانند: دزدی، فرار از مدرسه، خشونت، انحراف و... نمایان می شود. ممکن است این رفتار نابهنجار در منزل، مدرسه و یا در جامعه صورت گیرد. این واکنش ها معمولا حاصل از محرومیتی است که کودک در خانواده، یا مدرسه و یا محیط احساس می کند. طرد کردن کودک، خشم کردن با او و یا حتی افراط در محافظت و توجه به او، عواملی است که در تربیت کودک تاثیر دارد. (شاملو، سعید، ۱۳۸۸،ص۳۲۱) مدرسه یکی از عوامل اساسی تاثیر گذار در شکل گیری شخصیت انسان است. روانشناسان و صاحب نظران آموزشی- تربیتی، بعد از خانواده مهم ترین نقش را به مدرسه داده اند، صاحب نظران در تعلیم و تربیت همه بر این باور اند که: مدرسه به عنوان نهادی آموزشی و پرورشی، بنا به دلائل متعدد، نقش مهمی در شکل دادن به رفتارها و نگرش ها و اخلاق و به طور کلی در شکل گیری شخصیت دانش آموزان دارد. افزون بر این، در کشورهای غیر لائیک این نهاد نقش عمده ای در شکل گیری شخصیت دینی دانش آموزان ایفا می کند. (داوودی، محمد، ۱۳۸۵،ص ۱۰۳) مدرسه نقش بسیار مهمی در زندگی اجتماعی دانش آموزان دارد و از عوامل اثر گذار و سازنده معیارها و ارزش های ذهنی و تفکر و اخلاقی و راه و روش کودکان و نوجوانان در جامعه به شمار می آید، زیرا دانش آموزان بیشتر اوقات پر نشاط و فعال خود را در مدرسه سپری می کنند. در صورتی که محیط مدرسه ناسالم باشد و اولیا مدرسه نتوانند به وظیفه تربیتی و سازنده خود عمل کنند. ممکن است محیط مدرسه به یکی از عوامل انحراف و بزهکاری تبدیل شود. به همین دلیل که خانواده و مدرسه نقش بسزایی در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان دارند، ارتباط این دو می تواند تاثیر مثبت و سازنده ای، در ذهن و شخصیت کودک و به تبع رفتار او بر جا بگذارد و از دانش آموزان، شخصیتی مقاوم و با ثبات بسازد. بی تفاوتی خانواده ها و ضعف و ناکار آمدی مدرسه نیز ممکن است شخصیت دانش آموزان را ضعیف و او را فردی منحرف، آلوده و مضر به حال جامعه بار آورد. (دانش، شکرالله، ۱۳۹۰،ص۱۲۳) روانشناسان سنین مدرسه را دوره دانایی، تامل به زندگی اجتماعی و انجام فعالیت ها، ظهور استعدادها و صیقل یافتن شخصیت می دانند، آنان معتقد اند زمان ورود به مدرسه که آغاز کسب تجارب تازه و متنوع اجتماعی است و اولین برخورد رسمی اجتماعی کودک در آن مکان (مدرسه) صورت می پذیرد، عامل موثری در شکل گیری شخصیت است. چنانچه کودک با نگرش مثبت از کانون خانواده به محیط مدرسه وارد شده باشد از نظر سازگاری اجتماعی و پذیرش ترم ها، معیار ها و مقررات جدید توفیق بیشتری می یابد و در نتیجه دومین خشت محکم بنای شخصیت فرد در این محیط گذاشته خواهد شد، محیط مدرسه می تواند، در اصلاح بد آموزی های اجتماعی در محیط خانواده و هدایت نو آموز در مسیر رشد مطلوب شخصیت بسیار مفید و موثر باشد. از آنجا که کودکان در سنین ابتدایی آمادگی بسیار بالایی برای پذیرش دارند و محیط مدرسه و معلم هم برای آنان جذبه خاصی دارد، نقش مدرسه، عمیق، اساسی و پایه می باشد. مدرسه و معلم همیشه و در همه جای دنیا به مثابه پل انتقال ارزشها، وظیفه پاسداری از نظام ارزشی حاکم بر جامعه و انتقال آن به خانواده از طریق دانش آموزان را عهده دار بوده است. وحدت رویه تربیتی خانه و مدرسه و همراهی و همگامی هر چه بیشتر اولیا و معلمان در تشویق و ترغیب مستقیم و غیر مستقیم کودکان و

نوجوانان به حفظ ارزش ها، اتصاف به صفات حسنه و رعایت احکام و حدود الهی، تضمین بهداشت روانی، تعادل شخصیت، پیشرفت تحصیلی و خلاقیت های ذهنی آنها کمک موثری خواهد داشت(دانش، شکرالله، ۱۳۹۰،ص۱۲۳)

پس از خانواده محیط مدرسه نقش بسیار مهمی در زندگی اجتماعی کودک و نوجوان بر عهده دارد و از عوامل مهم تربیتی و سازنده معیار ها و ارزش های ذهنی و تفکر و راه و روش کودکان و نوجوانان در جامعه به شمار می رود. هر قدر پایه های شخصیتی کودکان و نوجوانان با ریسمان محبت و همدلی خانه و مدرسه (معلم) محکم و استوار می شود، مقاومت ایشان در برابر محرک ها و آسیب های اجتماعی مثل: بزهکاری، استعمال دخانیات و مواد مخدر، گرایش به نوار ها و فیلم های مبتذل، خانه گریزی و خانه به دوشی، انحرافات اخلاقی، تمایلات خرابکارانه و ...مضاعف می شود. اهمیت نقش مدرسه و رفتار معلمان و مربیان و تاثیر پذیری کودکان از یکدیگر در مدرسه اگر از نقش خانواده و تاثیر آن بیشتر نباشد، قطعا کمتر نیست زیرا دانش آموز در مدرسه از نظر جسمی و ذهنی توانایی بیشتری پیدا کرده و آمادگی جذب گفتار ها و رفتار ها و حوادث محیط خود را به مراتب بیشتر از دوران طفولیت و خانواده دارد به همین دلیل روان شناسان به حساسیت این امر توجه کرده و اولیا و مربیان را به همت بیشتری جهت ساختن شخصیت سالم و مطلوب کودکان و نوجوانان راهنمایی می نمایند، آنان معتقد اند: پیوند مستمر اولیا و مربیان و تشریک مساعی آنان در شناخت ویژگی ها و نیازهای زیستی، ذهنی، عاطفی، روانی و اجتماعی کودکان و نوجوانان در سنین مختلف، تلاش در انتخاب بهترین و موثر ترین روش ها در تامین بهینه نیازها و اجتناب از هر گونه دوگانگی ارزش و تعارض بین نظام ارزشی خانه و اصول اخلاقی حاکم بر مدرسه، ضامن اصلی شخصیت کودکان و نوجوانان است(افروز، غلامعلی، ۱۳۹۳، ص۲۳۹)

نقش معلم در القاء مهارت های اجتماعی به دانش آموزان

شخصیت معلم و مربی، برنامه های درسی، نحوه برخورد و تعامل عوامل آموزشگاه با یکدیگر و با دانش آموزان، در شکل دهی وضعیت روحی و روانی و ساختار شخصیت اخلاقی دانش آموزان نقش اساسی دارند. علاوه براین معلم در تغییر باورها و ایجاد باور و اعتقاد مذهبی در دانش آموزان خویش نیز تاثیر بسیار زیادی دارد. نقش معلم و مربی در شکل گیری شخصیت شاگردان غیر قابل انکار است. همه کسانی که شخصیت آنها رشد کرده و صاحب جایگاه مناسب علمی، دینی و اجتماعی شدند، شکوفایی و رشد شخصیتشان مرهون شخصیت و تلاش مربی یا مربیان لایقی است که فکر بلند و دست قابل آنها توانسته شاگرد خود را به خوبی تربیت کند. علامه شهید مطهری در رابطه با تاثیر مربی و استاد (حضرت امام) در شکل گیری شخصیت خود می گوید: درس اخلاقی که به وسیله شخصیت محبوب در هر پنج شنبه و جمعه گفته می شد و در حقیقت، درس معارف و سیر و سلوک بود، (نه اخلاق و مفهوم خشک علمی) مرا سر مست می کرد. بدون هیچ اغراق و مبالغه ای این درس مرا آنچنان به وجد می آورد که تا دوشنبه و سه شنبه هفته بعد، خودم را شدیدا تحت تاثیر آن می یافتم. بخش مهمی از شخصیت من در آن درس و سپس در درس های دیگری که در طی دوازده سال از استاد اللهی فراگرفتم، انعقاد یافت و همواره خود را مدیون او دانسته و می دانم(داوودی، محمد، ۱۳۸۵،ص ۱۲۱) پس از پدر و مادر، شخصیت معلم برای کودک محبوب ترین و جذاب ترین شخصیت است. دانش آموزان بخصوص در دوره ابتدایی به شدت از معلم تاثیر پذیراند و از رفتار و حرکات او تقلید می کنند. اگر معلم خوش اخلاق و گرم باشد تا عماق روح دانش آموز نفوذ می کند و دانش آموز را در مقطع ابتدایی به خود وابسته می نماید. خاطرات دوران دانش آموزی و مدرسه همیشه در ذهن انسان وجود دارد و افراد بزرگ سال از آن دوره و معلمان خود به خوبی یاد می کنند. معلمانی که با دانش آموزان خود صمیمی هستند و به آنان محبت می کنند فضول ترین دانش آموزان به آنان به دیده احترام می نگرند و سعی در همانند سازی دارند. از طرفی مطالبی که معلم مطرح می کند و نصایح به نکات ارزنده ای بیان می کند در شکل گیری شخصیت دانش آموزان آثار ژرف و ماندگار خود را خواهد داشت. سر و وضع ظاهر، آراستگی، نظافت، آرایش، ژست و مدل لباس، نظم اداری و وقت شناسی، رعایت مقررات، اخلاق و رفتار، پایبندی به آداب و سنن، صفا و صمیمیت معلم همه و همه به شدت در روح شاگردان اثر گذار است و بخش هایی از شخصیت او را می سازد. (دانش، شکرالله، ۱۳۹۰،ص ۱۲۸)

کیفیت اثر بخشی سلوک معلمان در تربیت اجتماعی دانش آموزان

معلمی که می خواهد در ساختن شخصیت سالم دانش آموز موثر باشد، باید مقبولیت داشته باشد و شاگردان به دیده احترام به او نگاه کنند و یا اینکه حداقل شخصیتی محبوب و دوست داشتنی داشته باشد. اگر معلم نتواند ارتباط صمیمی برقرار کند و از محبوبیت چندانی برخوردار نباشد، تاثیر او بر شاگردان کم و کمتر خواهد بود. از این رو روانشناسان درباره شرایط تاثیر گذاری و ایفای نقش معلمی می گویند: دانش آموزان معلمانی را الگوی خود قرار می دهند که مقبول و مورد اعتماد آنان باشند. مقبولیت حاصل دو ویژگی است: نخست توانایی عملی قابل قبول، دوم انطباق رفتار و گفتار آموزگار، به عبارت دیگر، نمونه ای قابل قبول از فرد مومن باشد. بنابر این لازم است معلمان برای ایفای نقش خود این دو ویژگی را کسب کنند. محبوبیت معلمان و مربیان نقش قاطع ای در تاثیر گذاری آنان بر رفتار دانش آموزان دارد، نمونه های فراوانی در تاریخ وجود دارد که مربیان و اساتید موفق شدند، افرادی را که سقوط و انحطاط آنها قطعی به نظر می رسید نجات دهنده و با دست هدایتگر خود باعث شکوفایی شخصیت انسانی آنان گردند. معلم با برقراری ارتباط صمیمانه با شاگردان خود و اظهار محبت نسبت به آنان در دل و روح افراد تحت تربیت خود نفوذ کرده و شخصیت آنان را سامان می دهد و نقش معلم بسیار عمیق و سرنوشت ساز می باشد.(دانش، شکرالله، ۱۳۹۰،ص ۱۲۸) روانشناسان معتقد اند: معلمان بصیر و اگاه باصبوری، حسن تدبیر و پرهیز از هرگونه عکس العمل تنبیهی، سعی کنند به تدریج اعتماد دانش آموزان را جلب سازند و باز خوردها و نگرش های آنان را در جهت مثبت تغییر دهند. برای کودکانی که با خاطرات ناگوار و تجارب نامطلوبی از رفتار بزرگ سالان در کلاس درس حضور پیدا کردند، رفتار خشونت آمیز معلمان و مدیران مدارس (به هر دلیلی که باشد) فوق العاده اثر سوء داشته، تمایلات اجتماعی ایشان را محدود می کند و مانع رشد شخصیت و منش مطلوب آنها می شود.(افروز، غلام علی، ۱۳۹۳،ص ۲۳۹)

از این رو به برخی از ویژگی های کیفی معلمان ذیلا اشاره شده .

معلم موفق باید: ۱- به آنچه می داند و به دیگران توصیه می کند، عمل نموده و الگوی عملی از اخلاق انسانی را به دانش آموزان تقدیم می نماید ؛ چون عملکرد معلم زیر نظر دانش آموز قرار دارد که اگر خدای نخواسته خلاف گفته اش مرتکب عملی گردد، دیگر ارزش معلم بودن را از دست داده و هرگز کسی به اندرزهایش گوش فرا نخواهد داد. ۲- وقار و سنگینی دارد، به بهانه انس گرفتن و جذب متعلمین از خود حرکاتی بروز نمی دهد که به وقارش صدمه برساند و سخنانی را به زبان نمی آورد که موجب شرمساری او گردد تا دانش آموزان احساس نکنند که معلم سبک و کم ارزش شده است و به تبع تا اثر سوء بر تربیت دانش آموزان بگذارد. ۳-تلاش می کند تا اعتماد به نفس شاگردان را افزایش دهد، چون تا دانش آموز اعتماد به نفس نداشته و به خودش ارزش قایل نگردد؛ هر گز در رشد و تعالی شخصیت اش گام های استواری بر نخواهد داشت. معلم نباید به بهانه کنترول صنف، اعتماد به نفس متعلمین را بشکند و او را در صنف تمسخر کرده و بازیچه هم صنفی هایش قرار دهد؛ زیرا این سرکوب کردن ها متعلم را خورد می کند و دیگر هیچ ارزشی به دانش و مکتب و معلم قایل نمی گردد ۴-بین تشویق و تنبیه توازن ایجاد می کند؛ چون می داند، تشویق و علاقه مند ساختن دانش آموز برای تعلیم و تربیت شایسته، اصل است و تنبیه آخرین علاج و به منزله عملیات جراحی می باشد. لذا معلم موفق نزد خودش معیارهای وضع می کند که چه کارها و فعالیت های سزاوار تشویق و ترغیب اند و چه اشتباهاتی قابل تنبیه و چه خطاهای موجب عفو و بخشش می باشند و با در نظر داشت این معیار ها با دانش آموز تعامل می کند تا بعد از برخورد، پشیمان نشده و از متعلم معذرت نخواهد. ۵- خوبی ها را آشکارنموده و بدی ها و عیب ها را می پوشاند تا خوبیها و فضایل رشد یافته و همه گانی شود و عیب ها و بدیها را پنهان می کند تا در نطفه خفه شده و هرگز به بیرون سرایت نکند، تا محیط تعلیمی از لوث بدی ها پالایش یابد، این به معنی سهل انگاری نسبت به بدی ها نیست؛ بلکه برای این است که بدی ها را بدون افشاگری نابود سازد. ۶- تصوری صحیح از خود دارد که در چه موقعیت علمی قرار دارد و با تشویق و کف زدن های سمبولیک مغرور نشده و با شنیدن انتقاد ها احساس حقارت نمی کند. ۷- خود را کامل نمی داند و اشتباهاتش را توجیه نمی کند؛ چون می داند خداوند متعال کامل است. و اگر اشتباهش را تصحیح کند بهتر از آن است که با اشتباه خود چندین دانش آموز را به مشکل دچار نماید. ۸- شاگردان را به عنوان انسان قبول دارد و می داند که انسان طبیعتاً دچار گناه و خطا می شود بهترین خطاکاران توبه کننده گان اند؛ لذا هرگاه شاگرد مرتکب خطای گردید و پشیمان شده و معذرت خواهی کرد، می بخشد. ۹-خود را ارزیابی و محاسبه می کند که آیا درس را آن طوری که لازم است ارایه کرده و آیا تعاملش با دانش آموزان عاقلانه و خدا پسندانه بوده و یا با عصبانیت و پرخاشگری همه متعلمین را

آزرده خاطر ساخته و فضای معنوی صنف را با محیط ناهنجاری مبدل ساخته است که این ارزیابی منجر به ایجاد تغییر در رفتارش می گردد. ۱۰-روحیه ی انتقاد پذیری دارد زیراتا انتقاد سالمی نباشد، اصلاحات به وجود نمی آید و معلم بسیار نیازمند است، تا انتقاد های سالم متعلمین، معلمین و اعضای اداری و تدریسی مکتب را با سعه صدر بشنود و به فکر تغییر در کاستی هایش باشد. ۱۱-از صبر و تحمل پذیری بالای برخوردار می باشد؛ چون با انسان های متفاوتی مواجه است و شاید خیلی اشتباهاتی از طرف دانش آموزان صورت گیرد

که بدون تحمل و شکیبایی نمی شود به درس و تعلیم ادامه داد. ۱۲- به تفاوت های فردی دانش آموزان معتقد است و با همه یکسان تعامل نمی کند به خصوص در قضیه تنبیه که بعضی دانش آموزان با یک نگاهی متوجه می شوند و برخی با سکوتی و بعضی با اطلاع اداره و... لذا باید معلم تمام دانش آموزان صنف را با تفاوت های شان بشناسد و از عواطف و اخلاقیات و وضعیت زندگی شان آگاه باشد تا به وسیله ی این شناخت به هردانش آموز طوری رفتار نماید که سزاوار شخصیت وی است. ۱۳-در تدریس خویش اخلاص داشته و فقط به منظور رضای الله متعال و رشد نظام آموزشی جامعه اش تلاش می کند.۱۴- به خداوند توکل می کند و تمام تلاش خود را به منظور بهبود وضعیت آموزشی- تربیتی به کار برده و نتیجه را به خدا واگذار می کند. ۱۵-وقت دانش آموزان را با مطالب بیهوده ضایع ننموده و با آمدگی قبلی و با مطالب جدید و جالب وارد صنف می گردد تا دانش آموزان همیشه منتظر فرا رسیدن ساعت درسی وی باشند. ۱۶-به وعده هایش وفا میکند و آنچه در صنف با دانش آموزان وعده نموده هرگز تخلف نمی کند؛ چون وعده خلافی از علایم منافق عملی به شمار می آید. ۱۷-از قضاوت نا عادلانه می پرهیزد؛ چون این گونه قضاوت ها منجر به بروز اختلافات، کینه و عداوت و عدم اعتماد می گردد. ۱۸-استعداد های نهفته در شخصیت دانش آموزان را شناسایی کرده و به سوی شکوفا شدن و بالندگی راهنمایی شان می نماید تا دانش آموزان از تمام استعداد های شان بهره بگیرند. ۱۹-مقررات خشک و افراطی را در صنف وضع نمی کند؛ بلکه مقررات مناسب به حالات و سنین شاگرد وضع کرده و به صورت جدی پیگیری می کند.۲۰- در زندگی خود نظم دارد و به موقع وارد صنف شده و هیچگاه دانش آموزان در امور کاری اش بی نظمی را مشاهده نمی کنند. ۲۱-معلم موفق قاطع و جدی بوده و عاقلانه و جدی به قضایا برخورد می کند، و البته قاطعیت به معنی خشونت نیست؛ بلکه معلم موفق می داند در چه موقع جدی بوده و چه وقت از گذشت کار بگیرد. (رابرت دی. رمزی، ۱۳۹۱،ص ۹۷۸) در این صورت است که معلم به عنوان یک الگوی اثر گذار در تربیت دانش آموزان جلوه گر واقع می شود و الگویی مطمئن برای دانش آموزان به حساب می آید.

مهارت های اجتماعی

سوگای و لویس(۲۰۰۱) شش فرض را درباره ی آموزش مهارت های اجتماعی ارائه کردند که باید توسط معلمان در نظر گرفته شود:

۱- مهارت های اجتماعی پیش نیاز ضروری برای مهارت های تحصیلی هستند.

۲- مهارت های اجتماعی رفتارهای قابل یادگیری هستند که می توانند آموزش داده شوند.آموزش مهارت های اجتماعی می تواند به همان صورتی باشد که مهارت های دیگر فرا گرفته می شوند (تحصیلی، حرفه ای، زندگی روزانه)

۳- تهیه یک برنامه درسی مهارت اجتماعی نیازمند صرف زمان و انرژی می باشد.

۴- مشکلات در مدیریت رفتار، مشکلات در مهارت های اجتماعی به حساب می آیند.

۵- معلمان برنامه آموزش مهارت های اجتماعی را متناسب با نیاز دانش آموز فراهم می کنند و برای آموزش مهارت های اجتماعی یک الگوی ایدآل وجود ندارد.

۶- رویکرد و مولفه های آموزش مهارت های اجتماعی مشابه آموزش تحصیلی است.

براساس مطالعات انجام شده توسط ویلیامز و رایزبرگ (۲۰۰۳) آموزش مهارت های اجتماعی از یک ساختار آموزش مستقیم پیروی می کند که به طور کلی مطابق ترتیب زیر می باشد:

الف) بحث درباره ی مهارت: گام اول بحث در مورد مهارتی است که باید تدریس شود. مهارت هایی از قبیل برخورد مناسب با دیگران، پیروی از دستورات، رعایت نظم، افزایش توانایی توجه، شکیبایی و... تعریف می شود و رویکرد آموزشی مناسب برای مهارت مورد نظر فراهم می شود.

ب) الگو دهی مهارت: در طی این مرحله مهارت مورد نظر الگودهی می شود.

ج) انجام مهارت به صورت هدایت شده: در این مرحله، دانش آموزان توسط معلم یا الگو، برای انجام مهارت هدایت می شوند.این مرحله که تکرار و تمرین نامیده می شود، معلم دانش آموز را در انجام درست مهارت کمک و راهنمایی می کند.

د) انجام مهارت به صورت مستقل: این مرحله که ایفای نقش نامیده می شود شامل انجام مهارت توسط دانش آموزان با اندک مداخله از طرف معلم می باشد.

و) بهبود تعمیم دهی مهارت: این مرحله، گام نهایی در آموزش مهارت های اجتماعی، جهت تعریف مشکل است. به نظر کمپل (۱۹۹۲) تقویت مثبت گامی مهم در فرایند آموزشی است. با ارائه بازخورد مناسب و بحث در طی فرایند آموزش زمینه برای یادگیری و تعمیم دهی فراهم می شود. در تعمیم دهی دانش آموز تشویق می شود تا مهارت جدید را خارج از محدودیت های آموزشی انجام دهد. تکلیف خانه اغلب برای بهبود تعمیم دهی ارائه می شود.

ه) بازنگری مکرر مهارت جدید: طی این مرحله از دانش آموزان خواسته می شود مهارت جدید را نشان دهند و در پایان، تکلیف خانه به دانش آموزان ارائه می شود.(موریس، ۲۰۰۲، ص۱۵۳-۱۶۳)

هدف از آموزش مهارت های اجتماعی

هدف از آموزش مهارت ها ی اجتماعی در نظام های آموزشی، دستیابی دانش آموزان به چهار هدف اولیه می باشد:

- بهبود فرا گیری مهارت های اجتماعی
- بهبود عملکرد مهارت های اجتماعی
- کاهش یا بر طرف کردن مشکلات رفتاری
- تسهیل تعمیم دهی و نگه داری مهارت های اجتماعی

مهارت هایی که به طور گسترده ای به توانایی های اجتماعی مربوط می شوند عبارت اند از:

-مهارت های گفت وگو (شامل گفتمان های کوتاه): احوال پرسی، گفتن «خواهش می کنم» (متشکرم)، یاد گرفتن و به کار بردن اسم ها، انتخاب موضو عات مناسب برای گفت وگو و دنبال کردن آن، برقراری و حفظ تماس چشمی (البته در اینجا باید به تفاوت های فرهنگی توجه داشت)، به کار گیری حالت مناسب صورت، استفاده از طنین مناسب صدا، قرار گرفتن در جایگاه مناسب نسبت به دیگران، جلوگیری از رفتار نسنجیده و گوش سپردن فعال.

-کنار آمدن با مشاجره ها: گفتن(نه)، کنار آمدن با افراد پرخاشگر، واکنش نشان دادن به مسخره کردن ها، عذر خواهی کردن، به دست آوردن توجه، کمک خواستن، مهارت های مساله گشایی، کنار آمدن با انتقاد ها، مذاکره- کردن، متقاعد کردن، پاسخ دادن به احتیاجات دیگران، احترام گذاشتن به تفاوت های فردی.

- مهارت های دوستی: دوست شدن، تشکر کردن ومورد امتنان قرار گرفتن، شوخی کردن وپاسخ دادن به شوخی ها ، رعایت کردن نوبت، داشتن ظاهر تمیز و آراسته، هماهنگ بودن با فرهنگ گروه همسالان، اهمیت دادن به عرف و آداب اجتماعی در زندگی روزمره.

- مهارت های گروهی: گوش کردن، بر قراری تماس چشمی، به خوبی ارتباط بر قرار کردن، پرسیدن سوال، رهبری و هدایت، جلب اعتماد، تصمیم گرفتن، مهار مشاجره ها، تشویق کردن، قبول همکاری و تشریک مساعی، درک نظرات سایرین و از همه مهم تر احترام به تفاوت های فردی.

مدل آموزش عمومی که در بیشتر برنامه های مهارت – های اجتماعی به کار می رود شامل مراحل زیر است:

۱- تعریف: مهارتی را که می آموزید، توصیف کنید. در این زمینه که چرا این مهارت و یژه مهم است و چگونه کار برد آن به ایجاد رابطه کمک می کند، بحث کنید. مهارت را می توان با استفاده از فیلم کوتاه، یک عکس یا کارتون، یک نمایش عروسکی و یا تذکر دادن به دانش آموز و راهنمایی او به فعالیت ها یی که در گروه همسالان در جریان است، شرح داد . شما به عنوان معلم می توانید بگویید : نگاه کن او چطور در ساختن دیوار به دیگری کمک می کند. نگاه کن چطور آن دو دختر در ساختن پازل به هم کمک می کنند. به من بگو آنها به یکدیگر چه می گویند.

۲- الگو سازی: مهارت را الگو کنید. مهارت را به چند جزء ساده تقسیم کنید و خودتان آن را به روشنی شرح دهید یا یک دانش آموز را انتخاب کنید تا این کار انجام دهد.

۳- تقلید و تمرین: دانش آموز یک مهارت را در محیطی که در آن آموزش دیده است، امتحان می کند. برای اینکه این امر موفقیت آمیز باشد، شما به عنوان معلم از دانش آ موز بخواهید دوباره در مرحله اجراء، با دقت توجه کند و آنچه را که شما شرح می دهید به خاطر بسپارد .

۴- بازخورد: این مرحله باید اطلاع دهنده باشد. شما به عنوان معلم می توانید بگویید: (شما هنوز آن را کاملا یاد نگرفته ای باید هنگام صحبت به او نگاه کنی. دوباره سعی کن)، (این بهتر است. نگاه کردی و لبخند زدی. خوب است). باز خورد از راه یک ضبط ویدیویی می تواند در بعضی مواقع سودمند باشد.

۵- ایجاد فرصت: فرصتی فراهم کنید تا دانش آموز مهارت را به کار بندد. شما به عنوان معلم می توانید با توجه به مهارتی که آموزش می دهید کارهای گروهی کوچک یا فعالیت های کاری دو به دو ترتیب دهید تا مهارت ها در کلاس و یا دیگر مکان های طبیعی تعمیم یابند.

۶- تقویت متناوب: نمونه هایی که در آن دانش آموز مهارت ها را بدون اجبار، در مواقع دیگر روز یا در هفته های بعد بکار می گیرد زیر نظر بگیرد. به او پاداش و تقویتی توصیف کننده بدهید. به پایداری مهارت پس از امتساب آن توجه کنید.

نکات قابل توجه در آموزش مهارت های اجتماعی به دانش آموزان از قرار ذیل آمده است:

-ترغیب دانش آموزان به تجزیه و تحلیل آنچه که مهارت های اجتماعی را شکل می دهند.

-آموزش مستقیم مهارت های اجتماعی

-توضیح و مدل سازی اجرای مهارت های اجتماعی؛ برای نمونه، هر مهارت را می توان به این شکل ها نشان داد: استفاده از الگو های زنده، ایفای نقش، نمایش صامت (پانتومیم)، استفاده از پخش تصویری (متوقف کردن فیلم در جاهای حساس به منظور بحث در باره ی رفتارها و عکس العمل های مناسب)

-تقویت رفتار های مناسب (نه فقط تمرکز بر خلاص شدن از رفتار نامطلوب)

- کمک کردن به دانش آموزان در به خاطر سپردن ارتباط رفتارهای آشکار در موقعیت های مشخص(مثلا اگر کسی از تو بپرسد می خواهی بازی کنی، چه پاسخی می دهی ؟)

-استفاده از بروشور و دفترچه برای نشان دادن شرایط اجتماعی زندگی واقعی و مشکلات مربوط به مهارت های اجتماعی .

-طراحی تکالیف کلاس در جهت افزایش اطمینان پذیرش، مشارکت و پشتیبانی متقابل بین دانش آموزان واهمیت دادن به مهارت ها و دانش های گوناگون .

-آموزش مهارت های اجتماعی تا حد ممکن در موقعیت های طبیعی.

- کمک به دانش آموزان در جهت انتقال مهارت ها از یک شرایط به دیگر (بدون تمرین در تعمیم دادن مهارت های اجتماعی، غالبا خیلی کم می توان آن ها را در موقعیت های متفاوت به کار برد)

-موافق بودن تمامی مربیان مدرسه و والدین دانش آموزان با اهداف برنامه های آموزش اجتماعی به منظور تقویت مستمر آنها .

- آموزش مداوم مهارت های اجتماعی و نظارت و ارزشیابی آن ها از طریق مشاهده از فهرست وارسی (چک لیست)، مصاحبه با والدین و غیره.

- فراهم کردن فرصت هایی برای تمرین کردن مهارت ها و ارایه تشویق های توصیفی

-توجه به زمان هایی که دانش آموز مهارت را بدون راهنمایی شما، به عنوان معلم انجام می دهد.

- توجه به نقش مهمی که شما، به عنوان معلم در ترغیب تعاملات اجتماعی میان دانش ایفا می کنید.

- انتخاب موضوع و تکلیف برای کار گروهی بسیار مهم است و معلم باید در فعالیت های گروهی، گفتگو را تشویق کند. تکالیف باید تشریک مساعی و کار گروهی را در نظر داشته باشند. موضوعاتی نظیر تهیه یک تابلو نمایش دیواری بر اساس آخرین باز دید از باغ وحش، طرح ریزی و تمرین اجرای نمایش های کوچک، ترتیب یک جشن، فعالیت های ورزشی، یاد گیر ی یک مسئله ریاضی با همکاری یکدیگر در این زمینه سودمند هستند. (مادنو و اسلاوین،۱۹۸۳، صص ۱۸۲-۱۸۷)

-نکته مهم این است که باید به اعضای گروه همسالان تاکید کرد تا روابط اجتماعی با کودکان را تقویت و پایدار سازند، ولی بیشتر آنها از روش هایی که می توانند به این منظور استفاده کنند، غافل هستند و شاید لازم باشد که به آنها نشان داد چطور ارتباط را آغاز کنند، چطور دانش آموزان را به یک فعالیت دعو ت کنند و یا به او کمک کنندو...

نتیجه گیری

آنچه از بررسی مباحث مختلف در این پژوهش بدست آمد عبارت است از:

گام اول: نوع بشر علاوه بر نیازهای فیزیکی مانند غذا، هوا، سرپناه. واسطه های اساسی دیگری نیز دارد که همانا ایجاد ارتباط با انسانهای دیگر است. این میل به ارتباط، یکی از احتیاجات بشر اولیه بوده و در جوامع امروز، یکی از ضروریات تداوم بقاست. ارتباط عبارت است از فرآیند انتقال و تبادل افکار، اندیشه ها، احساسات و عقاید دو فرد یا بیشتر با استفاده از علایم و نمادهای مناسب به منظور تأثیر، کنترل و هدایت یکدیگر. اهمیت ارتباط در زندگی انسان به حدی است که برخی از صاحب نظران، اساس تمامی رشد انسانی، آسیبهای فردی و پیشرفتهای بشری را در فرایند ارتباط دانسته اند. ساده ترین مدل ارتباطات، وجود سه عنصر را برای برقرای ارتباط الزامی دانسته است. این سه عنصر: یعنی(فرستنده، پیام، گیرنده) در مدل های مختلف ارتباطات مد نظر قرار گرفته اند. ارتباط موقعی برقرار می شود که کسی (فرستنده) بخواهد مفاهیم ذهنی خود (پیام) را به دیگری (گیرنده) منتقل کند. کلمات، تنها وسیله تبادل اطلاعات نیستند و در بسیاری از اوقات، ارتباطات به صورت غیر کلامی نیز برقرار می شود که اهمیت آن از ارتباطات کلامی کمتر نیست بلکه ممکن است اهمیت بیشتری در مخاطب بر جایی بگذارد. برخی از ارتباطات غیر کلامی عبارت اند از: حالات و حرکات چهره، تماس چشمی، حالتها و حرکات اندامها، اشارات و حرکات دستها، وضعیت ظاهر، استفاده از اشیاء و...

گام دوم: ارتباط معلم - شاگرد هر دو ویژگی، کلامی و غیر کلامی، را دارد، معمولا دو طرفه و گاه یک طرفه است. در این حالت ارتباط هم برای فرستنده و هم برای گیرنده آموزنده است زیرا بازخورد دریافت می کنند. از این رو برخی از مهم ترین موانع ارتباطی را به قرار ذیل شناسایی کردیم: نامناسب بودن زمان و مکان- نا مناسب بودن وسیله و شیوه برقراری ارتباط- عدم اعتبار فرستنده- ضعف در مهارتهای ارتباطی- تفاوت و فاصله در تخصص و مقام- کمی اطلاعات- زیادی اطلاعات - محدودیت ادراک- درک متفاوت از زبان ارتباطی- تشابه بینی (تعمیم)

گام سوم: آموزش مهارت های اجتماعی می تواند باعث کاهش در تعداد رفتارهای نامناسب در کلاس درس مانند پرخاشگری و بهبود روابط شخصی دانش آموز با همسالان و بزرگسالان در محیط اجتماعی شود.

عوامل محیطی سبب ایجاد صفات خاص در انسان می شود، مدرسه یکی از عوامل اساسی تاثیر گذار در شکل گیری شخصیت انسان است، مدرسه نقش بسیار مهمی در زندگی اجتماعی دانش آموزان دارد و از عوامل اثر گذار و سازنده معیارها و ارزش های ذهنی و تفکر و اخلاقی و راه و روش کودکان و نوجوانان در جامعه به شمار می آید. در صورتی که محیط مدرسه ناسالم باشد و اولیا مدرسه نتوانند به وظیفه تربیتی و سازنده خود عمل کنند. ممکن است محیط مدرسه به یکی از عوامل انحراف و بزهکاری تبدیل شود

گام چهام: نقش معلم و مربی در شکل گیری شخصیت شاگردان غیر قابل انکار است. معلمی که می خواهد در ساختن شخصیت سالم دانش آموز موثر باشد، باید مقبولیت داشته باشد یعنی الگوی عملی برای دانش آموزان باشد .

گام پنجم: هدف از آموزش مهارت ها ی اجتماعی در نظام های آموزشی، دستیابی دانش آموزان به چهار هدف اولیه می باشد:

- بهبود فرا گیری مهارت های اجتماعی
- بهبود عملکرد مهارت های اجتماعی
- کاهش یا بر طرف کردن مشکلات رفتاری
- تسهیل تعمیم دهی و نگه داری مهارت های اجتماعی

منابع و مآخذ

الوانی، مدیریت عمومی، چاپ سی و ششم، تهران، نی، ۱۳۸۸ش

افروز، غلامعلی، روانشناسی تربیتی کاربردی، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۹۳ش

توماس چامورو- پرموزیک، ترجمه: یحیی سید محمدی، تفاوت های فردی، نشر روان، ۱۳۹۱ش

ثابت، حافظ، تربیت جنسی در اسلام، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱ش

داوودی، محمد، نقش معلم در تربیت دینی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ش

دوان شولتز، مترجمان؛ یوسف کریمی، فرهاد جهرمی، سیامک نقشبندی، بهزاد گودرزی، هادی بحیرایی، نیکخو، نظریه های شخصیت، نشر ارسباران، ۱۳۸۴ش

دارابی جعفر، نظریه ها ی روانشناسی شخصیت رویکرد مقایسه ای، آییژ، ۱۳۸۴شدانش، شکرالله، تربیت فرزند، تهران؛ هورمزد، ۱۳۹۰ش

رستمی، گلچین، میرزائی، ۱۳۹۱، مهارتهای ارتباطی پرستاران از دیدگاه بیمارستان بستری، دو ماهنامه دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، دوره دهم، شماره اول، پی در پی

رابرت دی، رمزی، ترجمه: مرتضی مجد فر، وحید رضا نعیمی، ۵۰۱ نکته برای معلمان، ناشر قدیانی، ۱۳۹۱ش

زمانی، شمس، فرج زادگان، زوطبائیان، ۱۳۸۲، اعضای هیات علمی بالینی در باره آموزش مهارتهای ارتباطی به دانشجویان چگونه فکر می کنند؟، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال سوم، شماره ۹

شاملو، سعید ، مکتب ها و نظریه ها در روانشناسی شخصیت، تهران :رشد، ۱۳۸۸ش

شاملو، سعید، آسیب شناسی روانی، مرکز نشر و پخش کتابهای روان شناسی و تربیتی، ۱۳۰۸ش

صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ اروپا، شرکت سهامی طبع ، ۱۳۴۰ش

عمید، حسن، ۱۳۵۹، فرهنگ لغت فارسی، تهران، چاپ خانه سپهر

فیست و فیست، نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، نشر روان، ۱۳۹۵ش

قبادی، مهارتهای ارتباطی، ۱۳۸۹ ش

گینات، هایم؛ سیاوش سرتیپی، روابط معلم و دانش آموز، تهران، ۱۳۹۱ش

مرتضوی، مهربان، ۱۳۸۳، بررسی رابطه بین مهارتهای ارتباطی مدیران و تعهد سازمانی مدثیران، مجله

محمدی و پورقاز، ۱۳۹۰، بررسی رابطه منابع قدرت مدیران با ویژگی های شخصیتی کارآفرینی کارکنان، پژوهش های مدیریت عمومی، سال چهارم، شماره ۱۲، ۱۳۰، ۱۱۱

هاشمی، ایرج، مهارت های ارتباطی میان فردی، بی تا

Elliot. S . N . & Gresham . F . M . (2005) . Social Skills interventions For children. Behavior Modification. 17 . 287 – 313.

Kamps .D. M. & kay . M . (2002).Social Skills interventions For young at-risk Students : A 2- year Follow study. Behavioral Disorder . 25. 310-324.

Loannis. A. & Efrosini. K. (2008) .Nonverbal social interaction skills of children with learning disabilities . Research in developmental disabilities . 29 . 1-10.

Morris. S . (2002) . Promoting Skills among Students With nonverbal learning didabilities. Teaching Exceptional Children. 34 (3) . 66-70. Disabilities. 20. 441-448

Madden. N.A. and Slavin . R .E.(1983). Effects of co-operation leaching on the social acceptance of mainstreamed academically handicapped students " journal of special education 17.2:171-82